

زازاها قومی ناشناخته

نوشته دکتر گارنیک آساطریان

تنظیم و ترجمه ماریا آیوازیان

این مقاله تلخیص و ترجمه‌ای است از چند اثر برجسته دکتر گارنیک آساطریان، استاد دانشگاه ایروان و رئیس بخش زبانها و ادبیات ملل شرق انستیتوی خیاورشناسی آکادمی علوم جمهوری ارمنستان، که در سالهای اخیر به زبانهای ارمنی، روسی و انگلیسی منتشر شده است. پنا به اطلاعات رسیده آقای دکتر آساطریان با همکاری آقای دکتر فریدون وهمن استاد دانشگاه کینهاگ کتابی درباره زازاها به زبان فارسی نوشته‌اند که امید است بزودی به خوانندگان فارسی زبان و دوستداران تاریخ و ادب ایران تقدیم شود.

درآمد

در شمالیترین نقطه ارمنستان مرتفع Bardzer Haik (حومه ارزوم ترکیه) که اکنون به نام تونجه‌لی Tunjelī معروف است، قومی ساکن هستند که خود را دملی می‌نامند. این قوم در بین همسایگان خود به زازا Zāzā معروف‌اند. عده زیادی از

زازاها نیز در ایالات مختلفی، از جمله بینگل (Bingol، موش Mush، بدلیس = بدلیس Bedlis اضراف دیار بکر Diarbakr و سیورک Siverek ساکن هستند. آرامنه این قوم را دلمیک و دلمیکها D'Imik می نامیدند (این نام در یادداشت‌های آریستاکس لاستیورتسی Aristakes Lastiverisi مورخ سده یازدهم ارمنی نیز آمده است. زازاها قومی هستند حدود ۳ میلیون نفر و به زبان خاصی (تقریباً ناشناخته) گفتگو می کنند که زازانکی Zāzānki یا دلمکی D'Imki نامیده می شود. این زبان یکی از لهجه های گروه زبانهای ایرانی شمال غربی است و با گویشهایی که در نواحی جنوب دریای خزر رواج دارد، مثل طالش، گیلکی، مازندرانی، هرزنی و آذری (زبان باستان آذربایجان) خصوصیات مشترک بسیاری دارد.

خاستگاه تاریخی

بدرغم آنکه زازاها اکنون به عنوان قومی تازه شناخته در دنیا مطرح شده اند، آرامنه از سده یازدهم با این قوم آشنایی داشته اند. دلیل اصلی این ادعا آن است که زازاها تا همین اواخر به ناحق تیره ای از کردی به شمار می آمدند، حتی در بین آرامنه ای که روابط نزدیکی با آنها نداشتند، به عنوان کردها زازا معروف بودند. آرامنه آنها را زازادلمیک Zāzā D'Imik یا زازاکردر zāzā K'rdar نیز می نامیدند. باید خاطر نشان ساخت که قسمت دوم این اصطلاح، یعنی کردر بیشتر بیانگر وضع اجتماعی و طرز زندگی آنان است تا ملیتشان. به همین دلیل، نام زازا کردر به منظور جدا کردن آنان از دیگر کردها به آنان داده شده است. دانشمندان اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم نیز چنین نظریه ای را ابراز داشته اند.

بی تفاوت بودن (اگر نگوییم ناآگاه بودن) جهان درباره زازاها را شاید بتوان با همین اسناد توجیه کرد که آنها همیشه به صورت تنها و منزوی در جنگلهای محصور در کوههای صعب العبور زیسته اند. شرایط خاص سیاسی نیز به نوبه خود موانع فراوانی در راه محققان و گروههای پژوهشی ایجاد کرده است و در نتیجه، جز اطلاعات ناقص جزئی هیچ پژوهشی در این زمینه به چشم نمی خورد. ناشناخته ماندن زازاها به عنوان قومی مجزا از کردها، عامل مهم دیگری نیز

داشته است که به خود کردها باز می گردد. آنان باعث شدند که آتش اشتیاق اقوام و ملل همسایه برای ابراز وجود و خودشناسی و نژادشناسی خاموش شود و دلیل این امر اهمیت بیش از حد مسئله یگانگی و همبستگی و خودشناسی و خودمختاری کردها بود که البته معلوم و قابل درک است. حتی تحلیلهای علمی اقوام فراوان ایرانی، مانند لرها، بختیاریها و گورانها و جز آن، و روشنفکران و متفکران نوپای کرد نیز مزید بر علت شد. زازاها نیز از این سرنوشت گریزی نداشتند، بخصوص که آنان در بین اقوام کرد می زیسته اند و گویا کرد شناخته شدن آنها از ابتدا تدارک دیده شده بود. برای محققان کرد اهمیت نداشت که زبان، مذهب، معیارهای خودشناسی قومی زازاها از زمین تا آسمان با آنان تفاوت دارد، و آنها در این راه تا آنجا پیش رفتند که اگر محقق در راه شناخت زازاها و توجیه وجود و منشأ پیدایش آنان گام برمی داشت، از جانب کردها مقصر شناخته می شد و به عنوان دشمن کردها، طرفدار امپریالیسم غربی یا عامل مخفی این یا آن کشور به حساب می آمد.

تا این اواخر، حتی در ارمنستان نیز تحقیق درباره زازاها مشکل به نظر می رسید چون مسئله انکارناپذیر اتحاد اقوام کرد حتی در اتحاد جماهیر شوروی نیز به شدت مطرح بود و اگر موضعگیری بعضی از مجلات علمی ارمنستان، مانند مجله تحقیقات تاریخی و زبانشناسی *Putma - banasirakan Handes* نبود، امکان انتشار حتی یک مقاله درباره زازاها برای ما وجود نداشت. خوشبختانه در این روزها وضع با گذشته فرق دارد، و با در نظر گرفتن تمام نکاتی که در بالا ذکر شد، می توان از زازاها به عنوان قومی فراموش شده و تازه شناخته در جهان نام برد.

شناخت زازاها

تحقیقات اساسی درباره شناسایی زازاها در سالهای اخیر صورت گرفته و همزمان است با پیدایش جلوه های بیداری و آگاهی وجودی آنان که اکنون در حال استحکام و انسجام است. باید متذکر شد که در اروپای غربی، گروه زیادی از زازاها ساکن هستند که دارای ادبیات و انتشاراتی به زبان خودشان بوده، زندگی

فعال اجتماعی - سیاسی دارند. از مجلات و جرایدی که روشنفکران زازا در کشورهای غربی (مخصوصاً در سوئد و آلمان) منتشر می کنند می توان راشتیا (= راستی) *Rāšītyā*، زازائیستان *Zāzāistān*، رایازازائیستان *Rāyā Zāzāistān* و *Piyā* را نام برد.

درباره پیدایش زازاها و اینکه آنان از کجا آمده اند، پژوهشها چنین نتیجه می دهد که آنان در چند موج مهاجرت از دیلمان ایران (طبرستان قدیم) در سده ۱۰-۱۲ م بدین منطقه آمده اند. این مسئله را نه فقط دلایل تاریخی به اثبات می رساند، بلکه رابطه و نزدیکی زبان اقوام اطراف دریای خزر با زبان زازاها نیز دال بر آن است.

موضوع دیگر اینکه، نام دملی *D'mli* یا به زبان ارمنی دلمیک *D'imik* که زازاها خود را بدان می نامند از شکل قدیمی دلمیک *Dēlmīk*، به معنی دیلمی یا ساکن دیلم، گرفته شده است.

طبق روایات قومی دیگر، زازاها از استان خراسان ایران مهاجرت کرده اند (با وجود گذشت سده ها، هنوز مردم خاطره مهاجرت از شرق را به یاد دارند). این مسئله همچنین نشان می دهد که بعد از آرامنه، قدیمترین اقوام ساکن کوهستانهای ارمنستان زازاها هستند.

احتمالاً اصطلاح زازا عنوانی است که غیر زازاها به آنان داده اند و از آغاز، آهنگ بی اعتنایی و تمسخر داشته است. این مسئله به سبب وجود سایشی ها و مرکبهای فراوان در نظام صامتهای این زبان می باشد. بدین لحاظ، غالب توجه است که در گویشهای ارمنی مناطق تارون - توروبران *Taron - Turuberan* واژه زازا به معنی لال نیز به کار می رود.

گویش زازاها

تشکیل قومی زازاها در بین قوم ارمنی امکان پذیرفته و پیش رفته است و بی تردید در حال حاضر در رگهای زازاها خون ارمنی نیز جاری است. عنصر ارمنی در تشکیل قوم زازا دارای همان نقشی بوده است که «اورارتوها» و

«هوری ها» در تشکیل قوم ارمنی داشته اند. بدین معنی که آرامنه با ترکیب شدن با زازاها مهاجر بر مشخصات فیزیولوژیکی و عناصر فرهنگ مادی و معنوی و بالطبع زبان آنان تأثیر گذاشته اند. نخستین مدرک زبانی مستندی که زازاها را هم مانند گورانها و لرها، به لحاظ گویش از کردها جدا کرده به وسیله ک. هَدَنک *K. Hadank* و د. ن. مکنزی *D. N. Mackenzi* ارائه شده است.

درباره زبان زازاها، تمامی اسنادی که در دسترس ما قرار دارد، مانند متون، فرهنگها، منابع لغوی و جز آن، ناقص است، ولی از تحقیقات انجام شده چنین بر می آید که در زبان زازاها علاوه بر واژه های اصلی و وام واژه های ترکی و عربی - فارسی، تعداد بسیار زیادی وام واژه از زبان ارمنی وجود دارد و این امر نشاندهنده روابط دیرینه بین آرامنه و زازاها است.

در آرشیو محقق ارمنی گورک *G. Halačyan* که در آکادمی علوم جمهوری ارمنستان نگهداری می شود، از فهرست وام واژه های ارمنی در زازایی، به طور مختصر ۵۰ مورد مقایسه لغوی وجود دارد. نمونه ای از این وام واژه ها به قرار زیر است:

aksig زازایی = *axjik* ارمنی (دختر)، *āvlik* زازایی = *avel* ارمنی (جاروب)،
bāy زازایی = *bah* ارمنی (بیل)، *gōm* زازایی = *gōm* ارمنی (آخور)، *kām* زازایی =
kam ارمنی (چرخ خرمن کوبی)، *sar* زازایی = *sar* ارمنی (کوه)، *sāvār* زازایی =
dzavar ارمنی (بلغور) و ...

در زبان زازاها، تأثیر نظام آوایی و دستوری ارمنی نیز مشهود است. به عنوان مثال وجود صامتهای سایشی *ts* و *dz* تنها در نتیجه تأثیر زبان ارمنی است، زیرا در دیگر زبانهای ایرانی غربی به هیچ وجه از این بی واکها دیده نمی شود. اسم فاعل در زبان زازایی با پسوند *ōy* که اقتباس *ox* ارمنی است ساخته می شود، مانند *ntertso x = vandvō y* ارمنی (مطالعه کننده، خواننده)، *gnatso x = šiaōy* (رونده، روان)، *yeko x = āmāyo y* (کسی که می آید) و جز آن.

طبق قوانین زبانشناسی، در مورد وام واژه ها زمانی این پدیده رخ می دهد که بین اقوام تماسهای مستقیم وجود داشته باشد، ولی در مورد تأثیرات دستوری و

بخصوص آوایی زمانی این امر صورت می گیرد که قومی در قوم دیگر ادغام شود و به صورت یک واحد در آیند.

مذهب زازاها

زازاها پیرو دین خاصی هستند که، هر چند عده‌ای از محققان آن را در زمره فرق دین اسلام محسوب کرده‌اند، در واقع ترکیبی از اسلام و مسیحیت با عناصر دینی و اعتقادات بومی منطقه می باشد. تشابه دین آنان با مسلمانان در پیروی از حضرت علی (ع) است و به همین دلیل بسیاری آنان را به نام علوی می شناسند. ولی شخصیت امام اول شیعیان بین زازاها، مانند دیگر فرق شیعه، با دور شدن تدریجی از هویت اولیه خود وضع خاصی یافته است. زازاها در مراسم دینی خود وضو نمی گیرند، به مسجد نمی روند، نماز نمی گزارند، در ماه مبارک رمضان روزه نمی گیرند و مراسم عید فطر و دیگر اعیاد را به جا نمی آورند. در میان آنان عده معدودی نیز پیرو مذهب تسنن اند.

مطالب اجتماعی و مذهبی از آرشیو پروفسور حلاجیان و آثار دیگر مؤلفان به دست آمده است که برای آشنایی بیشتر در این بخش اضافه می شود. این مطالب به کردها و فرقه‌های افراطی شیعه در ترکیه و ایران اختصاص دارد و بتحقیق در جبران کمبود اسناد بسیار مؤثر است. ناگفته نماند که مؤلفان دیگری مانند گوند لوسکیچ V. A. Gondlevski زازاها را قزلباش kizilbaş نامیده‌اند که البته بیجا و نامناسب است. ضمناً عنوان قزلباش به زمانی خاص دلالت می کند و به مذهب شیعه افراطی و تیره‌های ترک زبان تعلق دارد.

با توجه به بعد زیاد زمانی، بیان تمام اعتقادات قومی و نژادی زازاها (پرستش درختان، کوهها، فلزات، مارها و غیره) ناممکن است. اصول عقاید و آداب مسیحی، بخصوص ارمنی، که در اعتقادات و باورهای زازاها اثر کرده است و با عقاید و سنن شیعه مخلوط شده است به روایتی از اجتماع ارامنه درسیم گرفته شده است.

توضیح جامع درباره اصل آداب و رسوم و عقاید خاص، همچنین تأثیر

صوفیگری در مذهب و عقاید زازاها منحصر به چند مدرک می شود و چون یک شکل نیست به نظر می آید با عقاید بومی مخلوط شده و ماهیت خاص و شایان توجهی پیدا کرده است.

امتیاز ویژه آیین پرستش در میان زازاها بنا بر سنت به قبایل خاصی منتقل می شود که عبارتند از چهار قبیله:

کوریش (کورشان) (Kurešān) Kureš باماسور (باماسوران) Bāmāsūr (Bāmāsūrān) و آیاجان Ayājan دورش جمالان Devreš jamālān قبایل دیگری نیز مانند ساره سالتیک Sāre Saltik و دورش گلابیان Devreš Gulabiān وجود دارند ولی آنها نقش اندکی در امور مذهبی دارند.

درجات مذهبی در میان زازاها موروثی است. بنابه دستور بالاترین مقام یعنی شورای عالی، مقام پیر پیران در صورتی که به عللی نتواند موروثی باشد، به دیگری انتقال می یابد.

طبقه بندی روحانی از پایین ترین درجه تا بالاترین درجه بدین شرح است: رهبر، مرشد، دده، سید، پیر، پیرپیران.

پژوهشگرانی مانند گوندلوسکیچ و حلاجیان از وجود آیین عشاء ربانی و غسل تعمید در میان زازاها یاد می کنند. این امر حقیقت دارد، زیرا شباهتهایی میان آیین مذهبی زازاها و دین مسیحیت وجود دارد و این اصول در نزد زازاها شکل اجرایی خاصی دارد. درباره آیین عشاء ربانی پروفسور حلاجیان شرحی مستند می دهد و می گوید: وسیله‌ای است برای پاک شدن از گناهان. احتمالاً این امر باز می گردد به «عید دوستی» (در میان مسیحیان باستان) یا "Carmas meals" با همان معنی که در بین دیگر فرق افراطی شیعه مرسوم است، مثل «طریق عشق» نزد قوه قوینلوهای ماکو.

آیین عشاء ربانی نزد زازاهای درسیمی مانند مسیحیان است. آنان برای این مراسم، نانی به قطر پنج سانتی متر از آرد و کره ناب، بدون نمک و خمیرمایه می پزند که در اصطلاح صوفیان به آن لقمه حقی، (God's portion) lōjmāyē hayi، یعنی سهمیه خدا می گویند. این نان Host قبل از هر چیز برای تشریفات آشنایی

مصاحب‌ها (God-brotherhood) و عشاء ربانی زمان مرگ است. نانی که مخصوص مراسم انتخاب مصاحبه است، گلبانگ. (gulbāng) نامیده می‌شود. این اصطلاح میان دراویش آسیای صغیر choral songs یعنی آوازهای دسته‌جمعی نامیده می‌شود و احتمالاً در میان زازاها این واژه یعنی گلبانگ به Awetis ارمنی و ἑνωϋγγέλιον یونانی و مؤذنه نیک فارسی، مربوط می‌شود. نان مخصوص یعنی Host در اجاق خانه پیرپیران پخته می‌شود.

در مراسم فوق، مصاحب سوگند وفاداری ابدی یاد می‌کند. سپس رهبر یا سید یا پیر این نان را خرد کرده، به مصاحبان می‌دهد و آنان لبه دامن آن روحانی را می‌بوسند و در حالی که نشسته‌اند آن نان را می‌خورند.

یکی از نشانه‌هایی که زازاها را از دیگر فرقه‌های افراطی شیعه جدا می‌سازد، وجود رسم تعیین مصاحب God - brotherhood است. این رسم birē āxiratē و xūškā āxiratē (برادری و خواهری در آن دنیا) نامیده می‌شود و ظاهراً به صوفیگری مربوط است و در بین فرق اهل حق یا علی‌اللهی شرط اقرار نامیده می‌شود ولی همچنین بین یزیدیه‌ها نیز مرسوم است. به خلاف یزیدیه‌ها، رسم تعیین مصاحب میان زازاها فقط در مورد جنس مذکر انجام می‌گیرد. مصاحب از بین جوانان کمتر از ۱۸ سال بدون مداخله اولیای او انتخاب می‌شود. بعد از تصمیم‌گیری درباره مصاحبان، دو جوان این خبر را به بزرگ روحانی خانواده اطلاع می‌دهند و او برای این اتحاد روحی دعای خوشبختی و دوام می‌خواند. بعد به مناسبت آن جشنی برپا می‌شود. باید گفت که رابطه بین دو مصاحب نزدیکتر و مستحکمتر از همبستگی‌های خونی خانوادگی است.

تشریفات انتخاب مصاحب باید قبل از ازدواج صورت گیرد. مصاحبها وظایف دو جانبه زیر را انجام می‌دهند:

- ۱- نگرهبانی از امنیت و شرافت خانوادگی یکدیگر.
- ۲- مواظبت از زن و فرزند دیگری مانند خانواده خود، در صورت مرگ مصاحب دیگر.
- ۳- عنداللزوم بدون تأخیر، مصاحب‌ها از هیچ‌گونه فداکاری و به‌خطر

انداختن زندگی خود نباید دریغ بورزند.

روابط جنسی و ازدواج با زن مصاحب فوت شده، اکیداً ممنوع است، در حالی که ازدواج برادر شوهر با زن برادر فوت شده میان زازاها مثل کردها بسیار مرسوم است.

یکی دیگر از مشابهت‌های مذهبی بین زازاها و ارامنه، انتخاب کیروا Kirva (Godfather) است. که در زندگی روحانی آنان نقش مهمی دارد. این رسم در برخی از مناطق ایران رواج دارد و کریب نامیده می‌شود که وجه تسمیه آن احتمالاً از «قرب» عربی است.

آیین غسل تعمید میان زازاها همگانی نیست، بلکه احتمالاً ریشه ارمنی دارد و انجام آن برای حفظ آداب و رسوم مسیحیت باستانی (قدیمی) است. طبق گفته پروفیسور حالاجیان، آیین غسل تعمید را فقط زنان به‌طور مخفیانه انجام می‌دهند. این مراسم که ۸ تا ۴۰ روز پس از تولد نوزاد (دختر یا پسر) انجام می‌پذیرد، به شرح زیر است:

مادر نوزاد و قابله او، هفت نوع گل صحرايي و آب هفت چشمه را جمع می‌کنند و آب را در کوزه دهان‌گشادی ریخته، گلها را داخل آن قرار می‌دهند، سپس در جای مخصوص نگهداری می‌کنند. مسن‌ترین زن خانواده همراه عروس خود و قابله آب جوش تهیه کرده، هفت قطره از آب گلها را با آن مخلوط و نوزاد را از دست و پا گرفته سه دفعه در آن آب فرو می‌کنند. سپس با یک پر، که در آن آب فرو می‌برند، علامت صلیب را روی پیشانی، پاها، سینه و لبهای نوزاد می‌کشند. بعد او را قنداق می‌کنند و پس از سه روز نوزاد را استحمام می‌کنند. چون سه روز باید اثر آن آب مقدس روی بچه باقی بماند. آب باقی‌مانده غسل تعمید را مانند ارامنه در خاکستر خاموش شده اجاق یا در گودالی که هیچ بشری به آنجا پا نمی‌گذارد، می‌ریزند. این سنت را زنها نگهداری می‌کنند.

اگر دختری از خانواده‌ای که این سنت بین آنها مرسوم است، با یک زازای اصیل ازدواج کند، این رسم را مخفیانه و به کمک زنی از خانواده پدری خود به خانواده شوهرش می‌برد. اگر تازه مذهبی (زازا) از یک خانواده ارتدکس زازا

عروس بگیرد، فرزند او مخفیانه غسل تعمید داده می‌شود.

زازاهای تازه مذهب، با آگاهی از ریشهٔ ارمنی خود و حفظ سنن قدیمی، هنوز به زبان زازاها تکلم می‌کنند و تمام آیین مذهبی زازاها را محفوظ می‌دارند. برطبق آخرین اطلاعات، تعداد زازاهای ارمنی الاصل به چند هزار نفر می‌رسد که بیشتر در منطقهٔ درسیم زندگی می‌کنند. زازاهای اصیل، آنان را *dönme* می‌نامند که به ترکی معنی «تازه مذهب» را دارد.

مقام پیرپیران را مسن‌ترین فرد ذکور قبیله کورشان *Kurešan* به ارث می‌برد، مشروط بر آنکه بالغ و دارای بیش از ۱۸ سال سن باشد و عیوب جسمی نیز نداشته باشد در غیر این صورت وارث جوانتر دیگری می‌تواند به آن مقام منصوب شود. چنانکه وارث دیگری نباشد، مقام پیرپیران به یک فامیل نزدیک تحویل می‌گردد. انجام این مراسم در نزد مردان به شرح زیر است:

از شورای عالی که جماعت *jamā at* نامیده می‌شود، دعوت می‌نماید تا قدرت رئیس قبیله را به وارث تحویل نمایند. این شورا، از ۷ روحانی عالی‌رتبه تشکیل شده است. قبل از مراسم انتصاب، موها و ریش نامزد مقام پیرپیران باید اصلاح شود. بجز سبیل که نشانهٔ مردانگی است. سپس گروه روحانیون، ساز *Sāz* به دست در طرف راست و چپ یک آتشدان مشتعل می‌ایستند و از نامزد مقام دعوت می‌کنند تا نزدیک شود و او زانو زده به آتشدان نزدیک می‌شود. در طول این عملیات سرودهای روحانی که اشک به چشم حضار می‌آورد، خوانده می‌شود. سپس مسن‌ترین آنها به طرف وی می‌آید و دست راستش را روی سر او قرار می‌دهد، بعد بقیه هم همین کار را انجام می‌دهند. طی این تشریفات دعاهایی به زبان زازایی خوانده می‌شود. این تشریفات با بستن یک شال سه گوش قرمز رنگ به نام *Sar* بر گردن مقام پیرپیران تازه منصوب خاتمه می‌یابد. سپس پیرپیران روی فرش که با بالشکهای زیادی پوشیده شده است و طرف راست آتشدان قرار دارد، می‌نشینند و روحانیون حاضر شانهٔ او را می‌بوسند و به او تبریک می‌گویند. در این هنگام، در خارج ساختمان صدای شلیک گلوله بلند می‌شود تا مردم از واقعه باخبر شوند. سپس جشنی به این مناسبت برپا می‌گردد

که تمام مردم در آن شرکت دارند و هر کسی در حد توانایی خود طعامی تهیه و بین همه پخش می‌کند.

مقام پیرپیران رئیس مذهبی و غیر مذهبی قبیله عشیرت *Aširat* است. وقتی او ازدواج می‌کند، زن او *ána* تمام اختیارات را همراه با شوهرش در خانواده داراست. اگر به هنگام مرگ، پیرپیران وارث سنی مناسبی نداشته باشد، زن او قدرت غیر مذهبی عشیرت را در دست می‌گیرد. ولی دیگر اختیارات مذهبی را نمی‌تواند داشته باشد، هر چند همیشه از احترام تمام افراد قبیله برخوردار است.

طبق گفتهٔ پرفسور حلاجیان، رهبر نمایندهٔ پائین‌ترین درجه روحانی است ولی به لحاظ احترام اجتماعی هیچ تفاوتی با افراد عادی تالیپس *talips* ندارد. رهبران دارای خانواده و دام هستند. وظیفهٔ آنان سرکشی به مردم، انجام مراسم مذهبی روزانه و وعظ و نصیحت افراد قبیله مطابق با معیارهای اخلاقی و مذهبی در اجتماع است. معمولاً آنها برای انجام این وظایف وجهی دریافت نمی‌کنند. جالب آنکه رهبرها حق تنبیه گناهکار را دارند ولی حق نشان دادن رحم و ملامت را ندارند. حق بخشایش گناهکار فقط به پیرپیران مربوط می‌گردد و او در این امر به شورای عالی متوسل می‌شود.

امور اقتصادی خانهٔ رهبرها به دست افراد خانواده یا داوطلبانه توسط تالیپس انجام می‌گیرد.

زازاها موظف‌اند که یک یا دو بار در سال از رئیس قبیله عیادت و هدایایی بر حسب توانایی خود به او تقدیم کنند. این هدایا به تناسب اعتقاد آنها به وقوع حوادث و وقایع شوم و جلوگیری از آنها، دفع مرض طاعون از دامها، و تضمین محصول زراعتی و پر بار بودن آن و غیره است.

حاصل سخن

نقش آرامنه در تشکیل قوم زازا و روابط دراز مدت آرامنه با آنها، همچنین مشترکات معنوی این دو قوم، نمی‌توانست در روابط آتی زبان بی‌تأثیر باشد، بخصوص که این روابط همیشه گرم و دوستانه بوده است. زازاها، آرامنه را به عنوان

قومی همخون به حساب می آورند و ارمنستان نقطه امید آنان به حساب می آید. در این تحقیق علاوه بر منابع علمی از اطلاعات موجود در کتابخانه شخصی افراد قوم زازا نیز استفاده شده است. منبع اصلی پژوهش در مورد زازاها اثر گورک حلاجیان است با عنوان درباره فلکور منطقه درسیم. این تحقیق بر اساس آرشیو او که در انستیتوی باستانشناسی و قوم شناسی آکادمی علوم جمهوری ارمنستان نگهداری می شود، تهیه شده است و شامل موضوعهائی درباره قوم شناسی، جمعیت نگاری، موضوع نگاری، مذهب، عقاید و اعتقادات و زبان درسیم و زازاهایی که در آنجا زندگی می کنند و اجتماع آرامنه است.

گورک حلاجیان در ۱۸۸۵ م در درسیم متولد شد و تا ۳۰ سالگی در آنجا می زیست. بعد از قتل عام آرامنه در ارمنستان ترکیه، در سال ۱۹۱۵، به زندگی در درسیم ادامه داد و در ۱۹۶۶ در ارمنستان بدرود زندگی گفت.

آرشیو حلاجیان حاوی اطلاعات جالب و گاه کاملاً نوین است و اهمیت آن از این نظر است که سرزمین درسیم و قسمت بزرگی از ترکیه شرقی برای محققان قابل دسترسی نیست. اطلاعات موجود در این آرشیو، در بسیاری از منابع دیگر ارمنی نیز تأیید شده است که قبلاً برای محققان شناخته شده نبود و از نظر تحقیق درباره زازاها و کردها بسیار مهم است. اطلاعات داده شده به وسیله حلاجیان به لحاظ تاریخی اهمیت زیادی دارد و تردیدی نیست که بسیاری از اصول، سنتها و جز آن با تحقیقات جدید توجیه شده است، در صورتی که بقیه منابع تغییر کرده و در عرض ۸۰ سال منقضی شده است. در حال حاضر، در ارمنستان قدمهائی جدیدی برای پژوهشی در پیدایش و ترقی این قوم، برداشته شده است که در آینده اطلاعات بیشتری در اختیار پژوهشگران خواهد گذاشت.